

تبیین پراکسیس سرمایه اجتماعی در بازساخت جغرافیایی سکونتگاه های غیر رسمی

مطالعه موردی محله ملباغی شهر خوی

سید حسن سید رضایی، دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

دکتر میر سعید موسوی، دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

دکتر اکبر عبدالله زاده طرف، دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

دکتر رسول درسخوان، دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

چکیده

در نزد هانا آرنت، پراکسیس نوعی کنش عمومی است که در آن مردم، عرصه‌ی زندگی خود را خلق و از نو می‌سازند و مناسبات انسان‌ها در فضا در کنش و واکنشی متاملانه و در بستر امر زمانی - مکانی رخ می‌دهد به عبارت دیگر حضور انسان در فضا نه به صورت اتفاقی بلکه متناظر بر وضعیت‌هایی است که در پروسه تولید اجتماعی فضا رخ می‌دهد. بازساخت جغرافیایی توسط شبکه سرمایه اجتماعی در بین گروه‌ها و اجتماعات محلی رخ می‌دهد و از رهگذر انباشت سرمایه - بازساخت، فضا هر لحظه بازتولید می‌شود. تحقیق حاضر به تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی پیش می‌رود و با استفاده از آزمون‌های آماری ربط و پیوست متغیر سرمایه اجتماعی به بازساخت جغرافیایی سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد سنجش قرار می‌دهد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شده است روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ابزار جمع‌آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه‌گیری شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پراکسیس سرمایه اجتماعی در بازساخت سکونتگاه غیر رسمی ملباغی شهر خوی تاثیر معنی‌داری دارد.

کلید-واژه: پراکسیس، سرمایه اجتماعی، بازساخت جغرافیایی، سکونتگاه‌های غیر رسمی

بازساخت جغرافیای توسعه به معنی هستی شناسی نوینی از توسعه است که در جریان های جغرافیای منطقه ای مورد مطالعه هر لحظه بازتولید می شود به عبارت دیگر نوعی مکانیسم خود تنظیم گری که دارای میدان روابط اعوجاجی و پیچیده ای است که در کنش متقابل با سایر میدان های تبعی و فرعی و واکنش های پایدار با آن ها قرار می گیرد و توسط تنوع پیچیده ای از ساختارهای فضایی و غیر فضایی در شهر پدید می آید. پدیده شهر صنعتی و پسا صنعتی، منظر فراپیچیدگی هایی است که در سیر مداوم انقطاع- پیوستگی دیالکتیکی، زمینه و بستر وضعیت های نو- پدیدی را فراهم می آورند که این وضعیت ها هم از منظر علل و عوامل اولیه و هم از منظر غایات و اهداف، دارای سایه روشن های اونتولوژیک و معرفت شناسی های تو- در- تو و گاه غیر قابل شناخت هستند. از اینرو پدیده بازساخت جغرافیایی نمی تواند به صورت خطی و تک بعدی نگریسته شود (Wickremasinghe, 2021: 208). در تمام دنیا، کشورها به طور فزاینده ای در حال شهری شدن هستند (Dutta, 2012: 2) و پیرو پیش بینی سازمان ملل تا سال ۲۰۵۰ میلادی حدود ۸۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (Jha et al, 2012: 3) بنابراین گسترش شهری یکی از چالش های عمده در مسیر کاربری پایدار زمین است (Hennig et al, 2015: 483). این پدیده مشکلات عمده اقتصادی، اقلیمی و آلودگی های زیست محیطی از قبیل جداسازی درآمد و افزایش نابرابری (Guo et al, 2017: 1)، افزایش تقاضا و مصرف انرژی و آب (Navamuel et al, 2018: 3471; Morote & Hernandez, 2016: 351)، افزایش دمای هوا و توسعه جزیره حرارتی شهری (Kohler et al, 2017: 93)، افزایش ناراحتی ها و بیماری های جسمانی و روحی (Ewing et al, 2014: 118; Garrido-Cumbrera et al, 2018: 381) و بسیاری از مشکلات و تهدیدهای دیگر را به ارمغان آورده است به طوری که در سال های اخیر به دلیل افزایش آگاهی از این تهدیدها، نیاز فوری به نظارت بر گسترش شهرها و اجرای سیاست های کارآمد از طرف مدیران و برنامه ریزان شهری در دستور کار قرار گرفته است. وضعیت بافت های شهری معلول روابط انفجار جمعیت در جهان است که خود متاثر از پیامدهای مدرنیته و کشف بهداشت در طول قرن هجدهم است. رشد جمعیت یکی از عواملی بود که زمینه های تبدیل اقتصاد کشاورزی کشورهای توسعه یافته را به اقتصاد صنعتی توسط نیروهای سیاسی و اقتصادی موجود در طول قرن هجدهم و نوزدهم به وجود آورد (Tallon, 2010: 8; Hall 2006; Atkinson and Moon 1994a). فرم شهرها متاثر از این استحاله اقتصادی شد که در واقع اثرات ناهمسانی را بر پیکرهی مناطق شهری مختلف وارد کرد (Tallon, 2010: 21). در طول تاریخ حیات شهری ارتباط دیالکتیکی بین زوال و احیای بافت ها و سکونت گاه های بشر وجود داشت، سکونت گاه هایی که همواره دستخوش «تغییر» بودند، تغییری که لازمه ی زندگی بشر و تداوم و تکامل وی است و با میزان و شتاب متفاوت ردپایی را از خود در زمان و مکان بر جای می گذارد (بحرینی، ایزدی، مفیدی، ۱۳۹۳: ۱۸). با تعمق در سیر این تغییر عرصه ی گفتمانی نو قابل گشایش است، عرصه ای که با فاصله گرفتن از تعاریف کلاسیک، به دنبال مفصل بندی مفهومی جدید و

بنیانی نو برای مطالعات شهری است (Cuthbert, 2006: 5): اما انقلاب صنعتی شروعی بود بر یک گسست، گسستی که اکنون شهر پسا صنعتی با شهر پیش از خود پیدا کرده بود و تاثیراتی که بر شهرها وارد کرد باعث فروپاشی روند مداوم زوال و حیات شهری شد. شهر صنعتی به واسطه‌ی آلودگی‌ها، زاغه‌ها و چشم‌اندازهای کوتاه مدتش، اعتماد و اطمینان ما را در خصوص توانایی شهر در ایجاد یک چارچوب زندگی شهری از میان برد (Rogers, 2000: 2).

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) در نوشتاری تحت عنوان «تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در نظام شهری نمونه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی» سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی و یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی است که در سال‌های اخیر توسط سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌های زیادی به منظور تبیین آن و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی صورت گرفته است. ولی در ادامه به این نتیجه می‌رسد که بین نوع سرمایه اجتماعی با اندازه شهر رابطه وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش اندازه شهر گسترش معکوسی در سرمایه اجتماعی اتصالی اتفاق می‌افتد.

تاج بخش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی بین حاشیه نشینان شهر ایلام» می‌نویسد مطابق با نظریات پوتنام و فوکویاما مشارکت افراد در امور شهری به منظور گسترش اعتماد اجتماعی، رشد و گسترش و تقویت مشارکت رسمی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی در مجموع و در مناطق حاشیه نشین منتهی گردد.

کوئین (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در کاهش فقر: نقش سازمان‌های جامعه مدنی و دولت»، می‌نویسد آیا استراتژی افزایش سرمایه اجتماعی به کاهش فقر شهری منجر می‌گردد؟ سرمایه اجتماعی به شکل‌های مختلفی تعریف شده و کارشناسان در تعاریف اختلاف نظر دارند. ساده ترین فرم سرمایه اجتماعی عبارت است از مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی، سازمان‌های ثبتی^۳، انجمن‌ها و دیگر جنبش‌های اجتماعی که نشان دهنده مجموع تجربیات می‌باشد. برخی استدلال می‌کنند که تنها مشارکت در سازمان‌های رسمی می‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی تعریف شده است. دیگران استدلال می‌کنند که مشارکت پراکنده در یک جنبش اجتماعی نیز باید به عنوان سرمایه اجتماعی تعریف شود. اعتقاد بر این است که از طریق عضویت در سازمان‌ها و شبکه‌های مختلف افراد منافع مشترک و هنجارها را توسعه داده شده و به اشتراک گذاشته شده که به نوبه خود به اعتماد و درک بهتر از تفاوت فرهنگی و سبک زندگی منجر می‌گردد.

1- Slums

³ - informal networks, registered organizations,

بازساخت جغرافیایی^۴

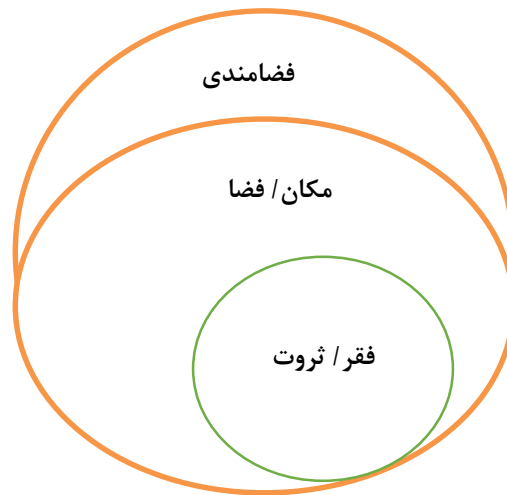
در عصر حاضر پایداری و تعادل بسیاری از شهرها تحت تاثیر شبکه های قدرتمند جهانی قرار گرفته است این شبکه ها در زندگی شهری نفوذ کرده و ساختار اقتصادی آن را بازتعریف نموده اند طیف متنوعی از فعالیت، درآمد و ثروت را در مناطق مختلف شهر پدید آورده اند (Andrea, 2014: 45). نظریه بازساخت جغرافیایی متأثر از حوزه اقتصاد سیاسی انتقادی و مکتب فضایی فرانکفورت است. مفهوم ترکیبی فوق دارای ابعاد و عناصر اجتماعی - سیاسی به همراه تعلق مکانی، رویکردی انسان محور در سیاست گذاری و توسعه مکانی دارد. بازتولید فضا از منظر هویت های انسانی و سرمایه های نمادین و اجتماعی که در اندیشه بوردیو و پوتنام و ... وجود دارد. در این بازتولید فضا، برابری اجتماعی و دسترسی و عدالت فضایی منظر نهایی هر نوع پلان و برنامه شهری است. در شرایطی که در یک فضای شهری فقر و ثروت، دوگانه هایی را بوجود آورده اند توجه به الگوی بازساخت جغرافیایی باید متوجه بازتوزیع درآمد از طریق سیستم شهری شود چرا که فضا، عمومی ترین کالای عمومی ای است که در شهر وجود دارد (شکل ۱). فضامندی حکایت از درون ماندگاری فضا در نسبت ذاتی اشیا است. به عبارت دیگر در خوانش غیر کانتی از فضا، اشیا به این دلیل وجود دارند که فضامند هستند و در غیر این صورت شی به مثابه امر درون ذاتی تداوم نخواهد داشت. در این جا، فضای ارتباطی^۵ است. هاروی معتقد است که "وقتی می گوئیم فضا نسبی است بدان معناست که باید آنرا چون رابطه بین اشیا ذکر کنیم. یعنی فضا وجود دارد به این علت که اشیا وجود دارند و با یکدیگر در ارتباطند. فضا به یک معنای دیگر هم نسبی است که من (هاروی) آنرا فضای ارتباطی (relational space) می نامم. فضا در این حالت بنا به اصطلاح لایبنیتز به عنوان چیزی موجود در اشیا در نظر گرفته می شود. بدین معنا که فقط هنگامی می توان گفت که شیئی وجود دارد که محتوی مناسباتی با دیگر اشیا باشد و آنرا بروز دهد. این بحث اساساً هستی شناسانه است" (هاروی، ۱۳۷۹). بر خلاف گذشته هر شهروندی به طور همزمان در میان تار و پودی از فضاهاى چند سطحی در مقیاس های عملکردی متفاوت همانند جهانی، منطقه ای، بین المللی و ملی و محلی به تجربه شهری می پردازد. هاروی در کتاب ارزشمند خود آگاهی و تجربه شهری^۲ (Harvey, 1985) به خوبی بر مفهوم چند سطحی از فضای شهری متمرکز شده است. تحول فضا و زمان در جوامع معاصر باعث دگرگونی معنی عمل اجتماعی می شود. آنتونی گیدنز در تکمیل گزاره اخیر می گوید که در جوامع ماقبل صنعتی امنیت هستی شناسانه مسبوق به سنت و هنجارهایی بود که در اثر تکرار جریان مکان و زمان در زندگی روزانه شکل می گرفت. در تأیید گفته گیدنز باید اشاره کنیم که شیوه تولید فئودالیسم که مبتنی بر کمترین میزان تحول و تغییر در نظم سلسله

4- geographical restructure

5 - relational space

2- Consciousness and Urban Experience(Harvey, 1985)

مراتبی و کیهانی خود در این دوران بود نیز موازی با این یکپارچگی و ناگسستگی در فضا و زمان است (پیری، ۱۳۹۰: ۵۵). لوفور در کتاب فضا و امر سیاسی می نویسد فضای شهری معاصر یک فضا - زمان دیفرانسیل است که خود را می سازد. زمان و فضا در دوره زراعی به معنی کنار هم قرار گرفتن گروهی از موقعیت ها بود مثلاً پهنه ها، اقلیم ها، گیاهان و جانوران و اقوام انسانی و غیره، زمان و فضا در عصر صنعتی تمایل داشته اند که وحدت و تجانس ایجاد کنند و به سوی تداوم و الزام بروند. زمان و فضای دوره شهری (اکنون) دیفرانسیل هستند. شبکه ها و جریانهای بی نهایت متفاوت در همپوشانی و تودرتویی با یکدیگر قرار می گیرند. از راه های حمل و نقل گرفته تا جریانهای اطلاعات، از کالاها و محصولات گرفته تا مبادلات نشانه ها و نمادها. دیالکتیک مرکزیت یک جنبش دیفرانسیل با قدرت بسیار بالا ایجاد می کند (پیری، ۱۳۹۰: ۴۲).



شکل ۱- همبودی فقر/ ثروت و فضا

سرمایه اجتماعی : دال- مدلول پراکسیس شهری در سکونتگاه های غیر رسمی

مفهوم سرمایه اجتماعی اغلب به همراه مشارکت مدنی و موازی با شبکه های همکاری و یکپارچگی است اما مفاهیم بسیار انتزاعی دیگری همراه آن است که عبارتند از: انسجام، اعتماد، معامله به مثل و کارایی نهادی (Franke, 2005:1). مفهوم مرکزی آن این است که مردم از طریق مشارکت در زندگی جمعی، عضو گروههایی می شوند که هویت، هنجارها، اعتقادات و اولویتهای شان را منعکس کرده و در عین حال هم به این هنجارها شکل می دهند (Suzuki et al, 2010). رابرت پوتنام بیشترین سهم را در عمومی کردن و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی دارد که توانست آنرا از حالت انتزاع در اندیشه اجتماعی و اقتصادی نجات بخشد (Mohan and et al, 2005:1267, Harper and et al, 2003:2, Field, 2009: 11, Tajbakhsh, 2006: 12). مطالعه او درباره دموکراسی، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در ایتالیا، تمایل عمومی شدیدی نسبت به قابلیت سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی و تسهیل التزام مدنی بوجود

آورد (Besser, 2009: 185). در نزد هانا آرنه⁷ پراکسیس نوعی کنش عمومی است که در آن مردم عرصه‌ی زندگی خود را خلق و از نو می‌سازند (Parekh, 1998) بطور کلی، در دیدگاه پراکسیس شهری، بافت‌های خودانگیخته به تعبیر دست‌و‌جنبشی ست ریشه‌ای بر علیه بروکراسی دولتی که در آن زاغه‌نشینان با اتکاء به پیوندهای غیررسمی خود سعی در طفره رفتن از قوانین سفت و سخت حکومتی دارند تا حداقل‌های زندگی خود را تامین کنند. بدین ترتیب دست‌و‌از اقتصاد مردمی در مقابل اقتصاد رسمی دفاع و فقرای شهری را «قهرمانان کارآفرین» معرفی می‌کند. او در پژوهش خود نشان می‌دهد این فقرا به‌لحاظ دارایی و تملک اموال کم و کاستی ندارند (Ibid: 45). از این رو او علت فقر ساکنین بافت‌های خودانگیخته را نه فقدان دارایی، که دخالت مستقیم نهادهای دولتی و حکومتی یا آنچه او «آپارتاید قانونی» می‌خواند، می‌داند. در این رابطه، فردریک فون هایک معتقد است که حاشیه‌نشینی و توسعه بافت‌های خودانگیخته ناشی از تلاش‌های فقرای شهری و سیاستی بدیل در مقابل برنامه‌ریزی از بالا به پایین دولت است. به عنوان مثال ایسترلی (۲۰۰۶) در تحقیق‌اش با نقد سیاست‌های کنزی که سعی در کاهش معضلات شهروندان از خلال ارائه‌ی خدمات داشت، این سیاست‌ها را طرحی غربی از مهندسی اجتماعی نواستعماری و یوتوپایی می‌خواند که پیشاپیش محکوم به شکست است. او در مقابل حاشیه‌نشینی را کاوشگرانی می‌داند که با فعالیت‌های خود امدادگرانه گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند. از این زاویه کنش‌های خرد فقرا به مراتب کارآمدتر، اثربخش‌تر و قابل‌اتکاتر از سیاست‌های دولتی است. این کنش‌های خرد البته نیازمند بستری است که آزادی اقتصادی می‌تواند آن‌را به بار بیاورد. بدین ترتیب در این رویکرد بهترین خدمت به فقرای شهری آزادسازی آنان از چنگال بروکراسی و برنامه‌ریزی دولتی و کمک‌های بین‌المللی است تا از این خلال انرژی کارآفرینانه‌ی آنان آزاد شود (Roy, 2009: 7). بدین ترتیب، نظریه پراکسیس شهری، حاشیه‌نشینی را به عنوان یک بخش غیررسمی جهت توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی شهری سودمند می‌داند. و این روند را ناشی از سوء مدیریت دولت در تخصیص عادلانه‌ی فضا بین شهروندان تلقی می‌کند.

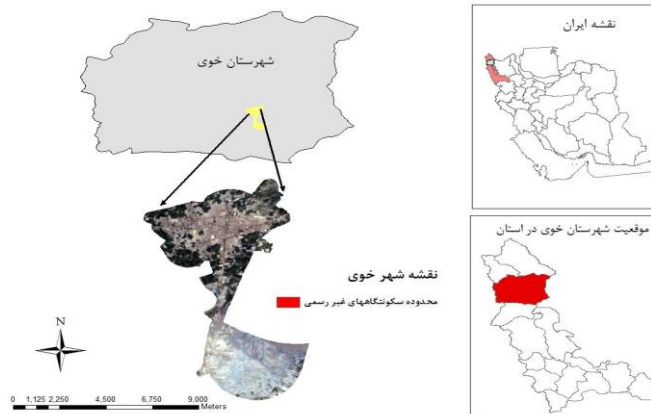
مواد و روش‌ها

شناخت محدوده مورد مطالعه

شهر خوی در دشتی نسبتاً وسیع در شمال غربی ایران و به عنوان دومین شهر استان آذربایجان غربی در موقعیت جغرافیایی ۴۴ درجه و ۲۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. جلگه خوی در دامنه شرقی فلات آذربایجان و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۱۳۹ متر است. این شهر در ۱۴۱ کیلومتری شهر اورمیه و ۱۴۳ کیلومتری شهر تبریز و ۱۴۷ کیلومتری ماکو بوده و ۳۲ کیلومتر تا مرز ترکیه فاصله دارد (مهندسان مشاور فرافزا، ۱۳۷۰: ۵۹). سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر خوی در سال ۱۳۵۵، ۳۱/۸۴ هکتار (۲/۸ درصد) مساحت محدوده مطالعه شده را

⁷ Hannah Arendt

به خود اختصاص داده اند. مساحت این سکونتگاه ها در سال ۱۳۶۸ یعنی در یک بازه زمانی ۱۳ ساله به ۱۷۴/۷۸ هکتار (۱۵/۱۳) رسیده است. یعنی نسبت به سال ۱۳۵۵ بیش از ۵ برابر افزایش یافته است. مساحت سکونتگاه های غیر رسمی در سال ۱۳۷۹ به ۶۷۰/۸۶ هکتار (۵۸/۰۸ درصد)، رسیده و در ادامه در سال ۱۳۹۹ به ۹۱۳/۰۵ هکتار (۰۵ / ۷۹ در صد) (Mabudi, Hakimi, 2016: 73).



شکل ۱- موقعیت محدوده شهر خوی

جدول ۲- روند رشد فضایی سکونتگاه های غیر رسمی خوی (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۶۸		سال ۱۳۵۵		کاربری
درصد	سهام	درصد	سهام	درصد	سهام	درصد	سهام	
۷۹/۰۵	۹۱۳/۰۵	۸۰	۸۶	۱۵/۱۳	۱۷۴/۷۸	۲/۸	۳۱/۸۴	بخش غیر رسمی
۷/۷۳	۸۹/۳۷	۵۴	۸۵	۳۷/۵۰	۴۳۳/۱۷	۵۲/۸	۲۹	باغ ها
۱۱/۱۲	۱۲۸/۵۲	۲۹	۱۵	۳۷/۵۹	۴۳۴/۱۶	۴۲/۲	۸۲	کشاورزی
۲/۰۸	۲۴/۰۳	۶/۰۷	۷۰/۱۱	۹/۷۷	۱۱۲/۸۶	۲/۲	۲۵/۰۲	اراضی بایر
۱۰۰	۱۱۵۴/۹	۱۰۰	۹	۱۰۰	۱۱۵۴/۹	۱۰۰	۹	مجموع

Mabudi & Hakimi, 2016: 73

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی است.. واحد تحلیل از نظر مقیاس فضایی کل محله ملا باغی خوی و از نظر جمعیتی ، نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار جمع آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری شده اند. پایایی ابزار تحقیق بوسیله آلفای کرونباخ سنجش شده است. . میانگین آلفای کرونباخ سازه های تحقیق ۷۵ به دست آمده است(جدول ۲)

جدول ۲ - آلفای کرونباخ سازه های تحقیق

متغیرها	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی اتصالی BRSC	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۴	۱/۶۰
	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۴	۱/۵۳
	حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	۵	۱/۵۵
	وجود نهادهای قانونی برای محافظت از حقوق مالکیت	۶	۱/۶۸
سرمایه اجتماعی مربوط کننده LSC	مسئولیت پذیری شهرداری و سایر ادارات شهر در برآوردن مناسب خدمات شهری و حل مشکلات	۵	۱/۷۱
	شرکت در انتخابات و داشتن کنش سیاسی	۳	۱/۷۱
	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶	۱/۸۰
	دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۵	۱/۷۳
	اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۴	۱/۶۳

بحث و یافته ها

مهمترین یافته های توصیفی تحقیق حاضر شامل جنسیت، سواد و تحصیلات، محل اولیه تولد، اشتغال و ... می باشد. براساس نتایج به دست آمده از ۱۵۰ نفر ۸۰/۰ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰/۰ درصد زن می باشد. وضعیت تاهل این نتایج را به دست داده است که ۲۳ درصد نمونه آماری مجرد و ۸۹/۵ درصد متاهل بوده اند. در بررسی وضعیت سن، داده ها حاکی از این است که در نمونه آماری، بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۴۱ تا ۵۱ سال با فراوانی ۳۶/۰ درصد است. داده های مربوط به تحصیلات حاکی از این است که ۴۳ درصد نمونه آماری دارای مدرک لیسانس و پایین تر بودند و بیش از ۳۲ درصد فوق لیسانس داشته اند. بیشترین مقدار سطح درآمد مربوط به محدوده ۸ تا ۱۲ میلیون تومان در ماه با ۴۷ درصد از کل نمونه است داده های توصیفی مربوط به وضعیت شغلی ۶۲/۵ درصد بیکار و ۳۷/۵

درصد خود را شاغل معرفی نموده اند.. بیشترین درصد شاغلان با ۲۶/۶۶ درصد کارمند بخش دولتی (اغلب شاغل در آموزش و پرورش) و ۲۴ درصد بقال و مغازه دار خرد بوده اند.

سنجش میزان همبستگی بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

نتایج مربوط به بررسی رابطه بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی براساس ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، نمی توان رابطه معناداری از ارتباط بین مولفه های (مشارکت و اعتماد اجتماعی)، (مشارکت اجتماعی و نهادهای محلی) استنباط کرد به عبارتی، افزایش یا کاهش میزان و کیفیت مولفه ی مشارکت اجتماعی هیچ تاثیری بر روند افزایشی و یا کاهش مولفه های اعتماد اجتماعی و نهادهای محلی ندارد و بالعکس (جدول ۳).

جدول ۳- ماتریس همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی

انسجام اجتماعی	مشارکت اجتماعی	نهادهای محلی	اعتماد اجتماعی		
۰,۱۵۲*	۰,۰۳۰	۰,۱۵۱*	۱	همبستگی پیرسون	اعتماد اجتماعی
۰,۰۲۵	۰,۶۶۳	۰,۰۲۶	-	سطح معناداری	
-۰,۰۲۶۱**	-۰,۰۵۴	۱	۰,۱۵۱*	همبستگی پیرسون	نهادهای محلی
۰,۰۰۰	۰,۴۲۶	-	۰,۰۲۶	سطح معناداری	
۰,۲۲۵**	۱	-۰,۰۵۴	۰,۰۳۰	همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی
۰,۰۰۱	-	۰,۴۲۶	۰,۶۶۳	سطح معناداری	

انسجام اجتماعی	همبستگی	*۰,۱۵۲	**۰,۰۲۶۱-	**۰,۲۲۵	۱
	پیرسون				
	سطح معناداری	۰,۰۲۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	-
	جمع	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰

*سطح معناداری : یک درصد ؛ ** سطح معناداری : پنج درصد

طبق اطلاعات جدول بالا می توان این چنین نتیجه گرفت که ارتباط تنگاتنگی بین مولفه های نهادهای محلی و انسجام اجتماعی (سطح معناداری ۰,۰۲۶۱-) برقرار است؛ به این صورت که به تناسب بهبود میزان و کیفیت کارکرد نهادهای محلی در محله ملا باغی در شهر خوی، بایستی انتظار افزایش میزان انسجام اجتماعی را داشت.

تفاوت سطح کلی سرمایه اجتماعی در محله ملا باغی خوی

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در مقیاس شهر نظرآباد متفاوت است اما در عین حال انواع آن تغییراتی پیدا می کنند.

جدول ۴- سطح سرمایه اجتماعی با توجه به مقیاس فضایی محله ملا باغی

متغیر	شاخص	گویه	میانگین رتبه ها در مقیاس کل شهر	U Man Vitny	sig	
سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی (BOSC)	اعتماد غیر رسمی	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۲/۹۹	۶۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
		دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۵۶۲/۰۰	۴۰۰/۹۹۰	۰/۰۰۰	
		اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۱/۸۹	۵۸۱/۴۵۸	/۰۰۰	
	مشارکت اجتماعی	مشارکت	مشارکت همسایگان و تشریک مساعی نقش مهمی در کاهش مشکلات شهر و محله ما دارد	۵۲۱/۹۹	۴۵۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
			کارهای گروهی موفقیت بیشتری نسبت به کارهای فردی دارد	۶۵۲/۹۷	۵۶۲/۱۴۷	۰/۰۰۴
			علاقه دارم در کارهای مربوط به مشکلات محله و شهر با همسایگان مشارکت داشته باشم	۶۳۲/۰۰	۵۸۳/۸۹۹	۰/۰۰۲
			اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۶۶۱/۹۹	۴۸۹/۶۵۴	۰/۰۰۰
اعتماد تعمیم یافته	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۶۶۱/۰۰	۶۰۰/۵۶۴	۰/۰۰۱		

۰/۰۰۰	۴۸۸/۰۰۱	۵۷۱/۴۸	حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	سرمایه اجتماعی اتصال (BRSC)
۰/۰۰۱	۵۰۰/۲۵۸	۵۴۱/۶۳	پیگیری مسائل اجتماعی - اقتصادی جامعه از طریق شبکه های ارتباطی	
۰/۰۰۰	۵۷۴/۵۸۶	۶۲۱/۰۰	سوال از ماموران دولتی یا نمایندگان مجلس درباره مشکلات جامعه	
۰/۰۰۱	۳۸۹/۰۰۰	۴۵۶/۹۸	تلقی از توانایی خود در تاثیر گذاری در امور شهر	

جدول بالا حاکی از آن است که به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در محله ملا باغی بالا است. همچنین در بعد شناختی، سرمایه اجتماعی از جمله علاقه مندی به مشارکت اجتماعی و تشریک مساعی و اعتقاد به موفقیت بیشتر کارهای گروهی در مقایسه با کارهای فردی سطح معنی داری کمتر است. با این حال مقایسه پاسخ های داده شده به گویه های متناظر با هر شاخص سطح کلی سرمایه اجتماعی نشان می دهد علیرغم وضعیت نامناسب اقتصادی و کالبدی، اما نیروی موثر سرمایه اجتماعی به عنوان یک زیرساخت زیرساخت زیست پذیری از وضعیت بهتری برخوردار است.

نتیجه گیری

بازساخت جغرافیایی مبتنی بر سرمایه اجتماعی و شبکه منابع محلی بهترین الگوی بازساخت جغرافیایی است چرا که از تحمیل از بالا به پایین الگوهای توسعه جلوگیری و می کند و در عین حال بنای توسعه را به صورت بطنی و کند و غیر تهاجمی و بدون برهم زدن ساختارهای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی پیش می برد. وضعیت اخیر در فرایند مدرنیزاسیون کشور معمولاً مورد نقد جدی اندیشمندان است که چگونه با "فرمایش شاه و توابع قدرت" زمینه های اجتماعی محلات و مناطق مورد توجه قرار نگرفت. پیچیدگی های مناسبات و روابط اجتماعی اقتصادی در جهان معاصر هم باعث تجدیدنظر در راه حل های سنتی و هم بازساخت نهادی ناظر بر راه حل های نوین شده است. مهمترین دگرگونی در نظریه و عمل توسعه همانا فهم قدرت شبکه های اجتماعی و سرمایه اجتماعی در برخورد با پدیده های اجتماعی اقتصادی مانند بافت های ناکارآمد و اسکان غیر رسمی است که زمینه ناپایداری توسعه شهری را فراهم آورده است. بازساخت، استراتژی موازی سرمایه اجتماعی است این استراتژی توسط نهادهای تاثیرگذار جهانی مانند بانک جهانی به منظور دست یافتن به اهداف هزاره در زمینه توسعه و کاهش موثر فقر بوده است. کاستلز یکی از جریان های رایج در بحرانهای اجتماعی معاصر را شکل گرفتن رابطه ای جدید و تاریخی میان فضا و جامعه می داند. فضای جدید مادر شهر، فضای بیگانگی جمعی است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳۵-۲۵۷). مارکس این فرایند را تخریب مکان بوسیله زمان می داند (پیری، ۱۳۹۰: ۲۹). بر خلاف گذشته هر شهروندی به طور همزمان در میان تار و پودی از فضاهای چند سطحی در مقیاس های عملکردی متفاوت همانند جهانی، منطقه ای، بین المللی و ملی و محلی به تجربه شهری می پردازد... به جرات می توان گفت پرابلماتیک

اصلی نظام برنامه ریزی شهری در ساحت ملی و منطقه ای و جهانی، فهم و ادراک فرایپچیدگی هایی است که اقتصاد شهری، سیاست و فرهنگ و اجتماع شهری را فراتر از هویت های ملی و محلی بازنمایی می کند. برنامه ریزی شهری صرفاً تنظیم ابعاد و تعیین ساختارهای کالبدی متن بزرگ تر شهری نیست بلکه در حال حاضر، فراتر از یک تخصص، به معنای فهم و ادراک حوزه های عمومی کنش ها و واکنش هایی است که سهامداران شهری در سپهر سیاسی شهر انجام می دهند.

چنانکه در تحقیق ما مشخص شد و در جدول ۴ نیز به صورت کمی و آزمون رگرسیونی نشان داده شده است شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی به غایت تاثیر زیادی در بازساخت جغرافیایی محله ملباغی دارند. با توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی متباین موجود در ساختار فضایی شهر در برخی قسمت های شهر، توجه به سرمایه اجتماعی در بازساخت فضای اجتماعی بسیار تاثیرگذار است.

منابع

- Andrea Z. Villalobos. (2014), "New Urbanism and Diverse Communities: an Analysis of Kyle, Texas", Presented to the Honors Committee of Texas State University-San Marcos in Partial Fulfillment of the Requirements, for Graduation in the Honors College.
- Besser T.(2009), Changes in small town social capital and civic engagement, Rural studies, No.25, p: 185-193
- Cuthbert R, Alexander. (2006), "The Form Of Cities", Blackwell publishingv, Australasia.
- Dutta, V. (2012), War on the Dream, How Land use Dynamics and Peri-urban Growth Characteristics of a Sprawling City Devour the Master Plan and Urban Suitability, A Fuzzy Multi-criteria Decision Making Approach, proceeded In 13th Global Development conference "Urbanisation and Development: Delving Deeper into the Nexus",Budapest,hungary.
- Ewing, R., Meakins, G., Hamidi, S., & Nelson, A. C. (2014). Relationship between urban sprawl and physical activity, obesity, and morbidity—update and refinement. *Health & place*, 26, 118-126
- Field J., (2009), Social Capital, translated by, Ghaffari, G., and Ramezani, H., Published by Kavir. [in Persian]
- Garrido-Cumbrera, M., Ruiz, D. G., Braçe, O., & Lara, E. L. (2018). Exploring the association between urban sprawl and mental health. *Journal of Transport & Health*. 10: 381-390.
- Kohler, M., Tannier, C., Blond, N., Aguejedad, R., & Clappier, A. (2017). Impacts of several urban-sprawl countermeasures on building (space heating) energy demands and urban heat island intensities. *Urban Climate*, 19, 92-121

- Guo, C., Buchmann, C. M., & Schwarz, N. (2017). Linking urban sprawl and income segregation—Findings from a stylized agent-based model. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 2399808317719072
- Hennig, E. I., Schwick, C., Soukup, T., Orlitová, E., Kienast, F., & Jaeger, J. A. (2015). Multi-scale analysis of urban sprawl in Europe: Towards a European desprawling strategy. *Land Use Policy*, 49, 483-
- Harper R., Kelly M.(2003), Measuring social capital in the united kingdom, available at: [statistics.gov.uk/social capital](http://statistics.gov.uk/social%20capital)
- Mabudi M. T., Hakimi h., (2016), analysis on the spatial growth of informal settlements in Iran the case of study Khoy, *journal of Geography and city space development* , No. 4, pp: 67-84.[in Persian]
- Mohan J., Twigg L., Barnard S., Jones K.(2005), Social capital, geography and health: a small-area analysis for England, *Social science and Medicine*, No.60, pp: 1267-1283
- Morote, Á. F., & Hernández, M. (2016). Urban sprawl and its effects on water demand: A case study of Alicante, Spain. *Land Use Policy*, 50, 352-362.
- Navamuel, E. L., Morollón, F. R., & Cuartas, B. M. (2018). Energy consumption and urban sprawl: Evidence for the Spanish case. *Journal of Cleaner Production*, 172, 3479-3486.
- Rogers, Richard.(2000) *Toward an Urban renaissance*, edition 1, London, published by Taylor & Francis.
- Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health? *Social science and Medicine*, No.70, pp: 1367- 1372
- Talen, E. (2010), "Social Goals of New Urbanism", *Housing Policy Debate*, Volume 13, Issue 1, 165-187
- Tallon, Andrew.(2010) *Urban Regeneration in the UK*, edition1, London, published by Routledge.
- Wickremasinghe, H. T., & Kaluthanthri, P. C. (2021). Spatial distribution of crimes in urban areas: An insight from Sri Lanka .*GEOGRAFIA OnlineTM Malaysian Journal of Society and Space*, 17 (4), 207-220. e-ISSN 2682-7727. Retrieved from <https://doi.org/10.17576/geo-2021-1704-15>